



(۱) اعوذ بالله من الشیطان الرجیم (۲) زنهار مردکه از من بخدا پناه ...



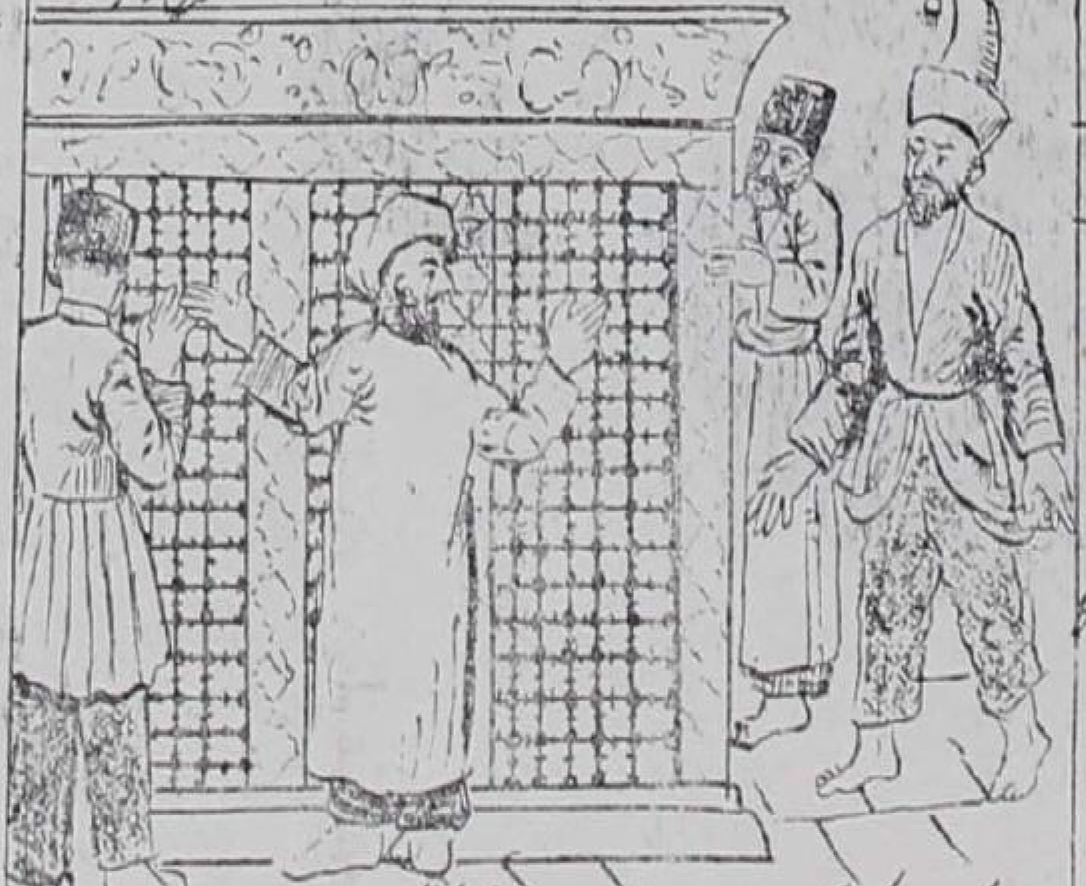
سلام علیکم آقا هیچ خبر دارید دین از دست رفت مجلس میخواهد قانون فرنگی بگذارد
بروید هر روز منافق بگوئید خودمان قانون داریم فرنگیها هم از روی قرآن ما قانون ترتیب میکنند روضه خوانی از امروز شروع می کنند



کارهای شما را باید دید ما دیگر نمیتوانید
خودسرانه رفتار کنید ۲ ـ حالا چه باید کرد
پول لازمست.
بسم الله

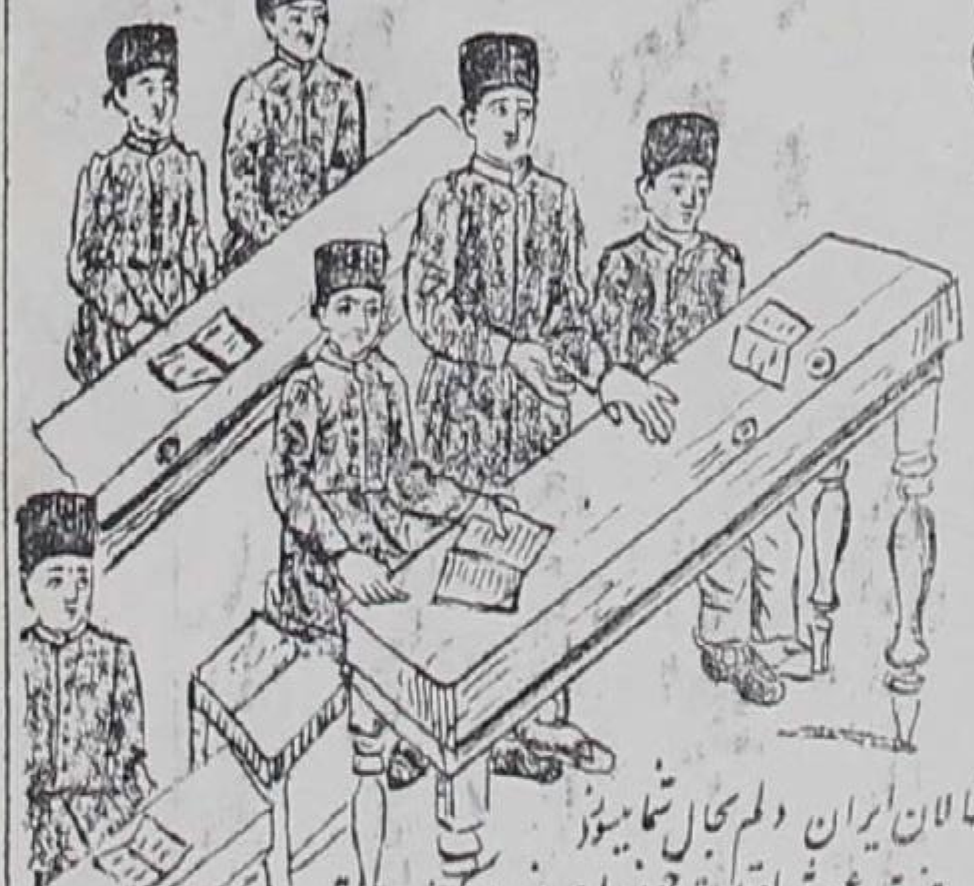


آقایان مؤمنین الان برهم زدن مجلس از نماز
واجب تر است دین از دست رفت در خانه منافق
بسته میشود ظالم دیگر نمیتواند ظلم کند مخصاً للشیطان با من همراهی کنید



ای کسانی که آمده اید زیارت حضرت عبد العظیم اگر یک قدم از راه نفاق و مخالفت
بردارید ... شیطان ... از زیارت بهتر است





آقازادگان نونهالان ایران دلم بحال شما میسوزد
زیرا که این علم برای ایران خوب نیست عبث اوقات خودرا صرف میکنید لااقل
چهار پنج سال طول میکشد بیائید تا من علمی در دو دقیقه بشما بیاموزم که فوری نتیجه اش حاصل شود
وآن این علم است نفاق ...

برنقیض امر بمعروف و سایر عناوین شریعتی تخریب میکنند و آشکارا بر نوامیس الهیه استخفاف می‌آورند و بی محابا
فاذیکت و کالیله و نیوتن و کبلر و هوگو در سور العیاذ بالله از علماء امت و انبیاء بنی اسرائیل افضل
میشمارند و اهل ذمه را بر مطالبه مساوات با مسلمین تشجیع مینمایند و در مکاتب اطفال ما هیکلهای خویش را مستخدم
مینمایند و تبدیل فطرت و تلویث بخت نونهالان ما میپردازند و تالار آینه میرزا حسینخان سپهسالار را با قواعد
کابراهیم و اسمعیل بر آورده است هم تبه میشناسند و سرمایه آن فتنه روزگار برآید بسیار ایجاد و بزبان آنها ناموس
شریعت و اهلش را بر باد میکنند اینهاست نونهال امر بمعروف و نهی از منکراتی که فرقه ضاله مضله از بهارستان
حریت و شورویت برای ما فرستاده اند و وعده داده اند که من بعد هر دم ازین باغ بوی برسانند تا رفته
رفته آزادی عهد قباد و مساوات شیخ بسبب مزدک را رواج بدهند و هر کس منکر و مزاحم بشود و بجلوگیری قیام
و اهتمام کند او را بمغلطه حب استبداد و تهمت تخریب مجلس و اسپانا و گرفتن وجوهات و توسط حکومت قاینات
و امثال ذلک استخفاف بدهند و در روزنامجهای وقیح الوجه بذی اللسان خود را برائت و تهرش کنند و یک مشت
خس و خاشاک و معدودی بی پدرهای ناپاک را ملت غیور نامیده او را بهجوم آنها تهدید نمایند و اگر بخواهد مسلمانها را
بیدار کرده دزدهای دین و غلهای دنیا را با ایشان نشان بدهد از خوف چادر بخوابانند و منبر بسوزانند و هلهله کشند
و مغلطه بیندازند غافل از آنکه بهیچ حیله و هیچ وسیله حق زاهق نخواهد شد و باطل فایق نخواهد آمد الاسلام یعلو ولا یعلی
علیه و همچنین سایر اوصاف و شرایط و قیود و حدودی که حجج اسلام نجف اشرف برای مجلس شورای ملی در
تلگراف خودشان تصریح فرموده اند خصوصا تقویت دولت که همه می بینیم هر چند روز یکمرتبه حمله جسورانه بر خلاف حقوق
کلیه ملیه از دستجات مزدور و اجیر که همه شهریه دار هستند یا روزانه بگیر نسبت بساحت سلطنت عظمی ظاهر و صادر میشود
لاسیما آن تقویتها که در موقع جشن میلاد همایونی از ملت قدیم اصیل نجیب ایران در مسمع و مرآی سفارتخانه‌ها و سایر
بیگانه‌ها دیده و شنیده شد و از سوء نتایج آن بی اندامیها و بی احترامیهاست که امروز دولتهای همجوار در حدود ایران خودنمائی
و لنگر آرائی میکنند کشتیهای جنگی روس در سه مرکز از سواحل جنوبی خزر لنگر انداخته است و عساکر عثمانی محض جلوگیری

از جشن



واتفاق را برهم زدند وسنگ تفرقه انداخته عداوت دیرینهٔ حیدری نعمتی را بایران عودت دادند قسمتی از علما را در شهر بانواع چاپلوسیها وخوش آمدگوییها ومُغَلِّطات دیگر مسخر کرده در مزاجهای مبارکشان بهر نحو که میخواهند تصرف میکنند کتصرف الملاک فی املاکهم وذوی الحقوق فی حقوقهم واگر احیاناً در موضوعی احساس ناساعدی میکنند فی الفور فقرهٔ ریختن مجسمهٔ محترمه تجدید میشود واز خریداری کلهٔ سیاسی سخن میرود وترجمهٔ پترنال شهادت میکند وقسمتی دیگر از علما را در زاویهٔ مقدسهٔ حضرت عبد العظیم علیه السلام هدف تیر تهمت وطعن روزنامجهای مکشوف الحال که از غایت فقر ومایگی وتهی دستی بکالای هتاکی وتجاوز معاش میگذرانند قرار داده لایزال بر شقّ عصا وتفریق کلمه می افزایند وخود در سایهٔ این رقابت بافراغت خاطر نشسته نقشه ها میکشند ونقشها میزنند روزی نیست که گربه نرقصانند ومعرکهٔ مارگیری نگیرند وبساط حقه بازی نچینند ازانجاست که مجلس با مسلمانها را خاصهٔ خود میخوانند ومیدانند بلی ای مجلس بلی ما براین وضع حالیه که کارخانهٔ خیالبافی با بسته شده (گر بمانی سال دیگر قصب دین حیدر نشوی)

واز شرایط واوصاف مجلس که در تلگراف مسطور منظور فرموده اند آن است که مجلس باید مجلس امر بمعروف ونهی از منکر بوده باشد علما ومهاجرین زاویهٔ مقدسه هم همینطور مجلس میخواهند نه آنکه هیچ مجلس نمیخواهند لعنت خدا بر کسانی باد که این نسبت را بایشان میدهند وبر مردم مقصد مهاجرین را مشتبه میکنند اینک از کسانی که حقیقة بوجود صانع قائل وبکتاب مجید معتقد وبدین حنیف معتقد هستند سؤال میکنیم ومیگوییم این مجلسی که می بینید که در تحت استبداد واستبداد لامذهبان وآزادی طلبان واقع شده است ومجاری احوال واوضاع آن را مستقیماً بر سیاق پارلمنتهای اروپا اداره میکنند آیا مجلس امر بمعروف ونهی از منکر است یا مجلس نهی از معروف وامر بمنکر است آیا بواسطهٔ نشر دادن مزدکیان عصر کلمهٔ آزادی را در این مملکت تجریات وتهتکات مردم تا چه اندازه افزوده است وفنون فحشا وفسوق وفجور تا کجا شایع شده آیا زنها لباس مردانه نمیپوشند وبکوچه وبازارها نمی افتند آیا در خرابات شب جشن چقدر از این بی ناموسی ظهور مشاهده شد وشرب الیهود وفاحش فاحش بنظرها رسید آیا فرق فاسدهٔ مفسده

برلفظ



(۱۱۲) مضطرب شدن مردم از علما هنگامیکه در اخبار پیدا میشود........

(۱۱۳) چسبیدن مردم بر یکدیگر مانند حیوانات نر در سر راهها برای لواط کردن و زنا نمودن....

(۱۱۴) صرف کردن مال بسیار در باطل و مضایقه نمودن از صرف آن در اطاعت الهی.....

(۱۱۵) رنجانیدن پدر و مادر و اهانت و استخفاف کردن بآنها و بدترین خلق بودن آنها نزد اولاد

(۱۱۶) شاد شدن اولاد از افترا زدن دیگران بپدر و مادر آنها........

(۱۱۷) دست یافتن و مسلط شدن زنان بر هر امر یکه خواهش نفس ایشان در آنست......

(۱۱۸) تهمت و افترا بستن اولاد بپدران....

(۱۱۹) نفرین کردن اولاد بپدر و مادر....

(۱۲۰) شاد شدن اولاد بمردن پدر و مادر

(۱۲۱) اندوهناک شدن مردم از آنکه روزی بر آنها بگذرد و ایشان در آنروز گناه بزرگی نکرده باشند مانند لواط و کم دادن در ترازو و پیمانه و مباشرت امر حرام و خوردن شراب و سایر مسکرات و حساب نکردن آنروز از ایام عمر خود........

(۱۲۲) جمع کردن اهل تسلط غلات را از برای فروختن آنها بقیمت اعلا و گران........

(۱۲۳) دادن خمس و مال امام علیه السلام را باهل لهو و قمار بازی نمودن و شرابخوری انها با آن اموال.........

(۱۲۴) مداوا نمودن مریضها را بشراب و صفت نمودن اوصاف آنرا از برای آنها......

(۱۲۵) متفق شدن مردم در ترک امر بمعروف و نهی از منکر و ترک دینداری........

(۱۲۶) با قهر و غلبه شدن منافقان......

(۱۲۷) با نصرت و دولت شدن منافقان

(۱۲۸) مقبول و پذیرفته شدن سخنان منافقان

(۱۲۹) سکوت کردن اهل حق از کلام حق بواسطه گوش ندادن بسخنان ایشان.......

(۱۳۰) با اجرت شدن گفتن اذان و امامت جماعت

(۱۳۱) اجتماع کردن خلق خدا در مساجد از برای غیبت کردن مردم و تعریف و وصف نمودن از شراب و مسکرات.......

(۱۳۲) امامت جماعت کردن از برای مردم کسانیکه بواسطه خوردن شراب در حال سکر و مست‌اند و مستی را عیب نمیدانند.....

(۱۳۳) اکرام کردن مردم بکسیکه مست شده بواسطه تقیه و معذور داشتن او را در ارتکاب این معصیت بزرگ.........

(۱۳۴) خوردن اموال یتیمان با ادعای تقوی و صلاحیت نزد مردم..........

(۱۳۵) حکم کردن قاضیان برخلاف امر الهی

(۱۳۶) پیروی کردن احکام شرع از راه طمع از خائنان.........

(۱۳۷) سپردن حکام شرع میراث صغیر را بقیم فاسق و حیف و میل نمودن آن فاسق در آن میراث.........

(۱۳۸) امر کردن وعاظ در بالای منبرها مردم را بتقوی و پرهیزکاری با آنکه خودشان بآنچه میگویند عمل نمیکنند.........

(۱۳۹) استخفاف کردن مردم باوقات نماز و سهل انگاشتن بجا آوردن نماز در اول وقت

(۱۴۰) دادن وجوه بر فقرا بتوسط کردن وسائط و قصد قربت نداشتن در دادن آنها

(۱۴۱) دادن وجوه بر فقرا در صورت مطالبه انها با ابرام و اصرار.........

(۱۴۲) منحصر شدن همت مردم بامر خوراک بطن و فرج و شهوت عروس و باک نداشتن آنها از حلال و حرام خوراک و بی پروائی ایشان در دفع شهوت چه بحرام باشد و چه بحلال باشد

(۱۴۳) روا و بلند شدن بنا بمردم.......

(۱۴۴) مندرس و کهنه شدن علامتهای حق

پناه بخدا و اعتراف بگناه و تقصیر

نعوذ بالله و نستجیر به من فتن آخر الزمان

وما ابرّئ نفسی انّ النفس لامّارة بالسّوء الا ما رحم ربّی.........

ربّنا ظلمنا انفسنا وان لم تغفر لنا وترحمنا لنکوننّ من الخاسرین.........

خدایا ما اهل مملکت ایران ظلم و ستم کردیم بر نفس خود بذات قدسیت اگر از تقصیرات ما در نگذری و ما را هدایت نکنی بسمت خود در این وقایع فتن آخر الزمان روزگار اهل قرآن و شیعیان از روز سابق بدتر میشود و در آخرت هم معذب بوده هلاک خواهیم شد خسر الدنیا والآخرة ذلک هو الخسران المبین

والسلام علی من اتّبع الهدی واجتنب الرّدی

موعظه علی السلطان الناظر

خرما نتوان خورد از این خار که کشتیم — دیبا نتوان بافت از این پشم که رشتیم

بر لوح معاصی خط عذری نکشیدیم — پهلوی کبائر حسناتی ننوشتیم

ما کشته نفسیم و بس آوخ که برآید — از ما بقیامت که چرا نفس نکشتیم

افسوس بر این عمر گرانمایه که بگذشت — ما از سر تقصیر و خطا در نگذشتیم

گر خواجه شفاعت نکند روز قیامت — شاید که ز مشاطه نرنجیم که زشتیم

باشد که عنایت برسد ورنه مپندار — با این عمل دوزخیان کاهل بهشتیم

بسمه تبارک و تعالی

سواد تلگراف حضرت مستطاب حجة الاسلام والمسلمین آیة الله فی العالمین آقای آقا سید محمد کاظم طباطبائی دامت برکاته العالیه که بجناب مستطاب ثقة الاسلام والمسلمین کهف العلماء والمجتهدین آقای آخوند آملی دام ظله العالی مخابره فرموده اند

از نجف اشرف نمرهٔ (۶۷۶)

جناب ثقة الاسلام آملی دامت برکاته از تجری مستدعین و اشاعهٔ کفریات ملحدین که نتیجهٔ حریت موهومهٔ قرار مسلوب تلگراف مزید تشویش بعون الله متمنیات ایشان شدنی نیست البته دفع کفریات وحفظ عقیده و اجرای قوانین محکمهٔ قرآنیه و شریعت ابدیهٔ محمدیه اهم فرائض ربانیین علماء با ملاحظهٔ جهات موجبات صلاح و صیانت دین و دماء مسلمین منظور اطلاع داده بذل مجهود شود

محمد کاظم طباطبائی بیست و سیم جمادی الاولی

برادران دینی ما در این تلگرافهای نجف اشرف که پی در پی بطبع رسانیده و منتشر ساخته ایم تأمل و تفکر بکنند و در سخنان این بزرگان اسلام که محل تقلید کافهٔ انام هستند دقت و تعمق نمایند تا دو مطلب مهم برهمه معلوم و مکشوف بشود

یکی آنکه از سلسلهٔ جلیلهٔ رؤسای ملت احدی منکر مجلس شورای ملی اسلامی نیست و دیگر آنکه تمام اهتمام حجج اسلام در جلوگیری مرتدین و دشمنان دین است چه پیروان میرزا علیمحمد شیرازی معروف بباب و چه جماعت هواپرست طبیعی مذهب فرنگی مآب چرا که بالحس والعیان می بینیم و می بینید که در ظرف

این

از جشن موعود که آن بزرگوار فرموده غفلةً بر خاک ایران تاخته هفتهزار کس از هموطنان ما را طعمهٔ آتش ساخته است

بی ادب تنها نه خود را داشت بد　　　بلکه آتش بر همه آفاق زد

باری برادران دینی ما در این تلگراف تأمل و تفکر بکنند و ببینند که حضرات حجج اسلام مجاورین نجف اشرف مجلسی را که خواسته‌اند به چه صفت و کدام قید و شرط است حضرات حجج اسلام مهاجرین زاویهٔ مقدسه هم همان مجلس را میخواهند و مخالف چنان مجلس را مخالف شرع و مجادل با صاحب شریعت میدانند و البته تمام اهل اسلام هم مجلسی میخواهند که بهمین اوصاف و قیود و شرایط آراسته بوده باشد پس صاحبان این تلگراف شریف و مهاجرین زاویهٔ مقدسه و مسلمانهای ممالک محروسه تماما بر یک قول و یک عقیده و یک رای هستند و مخالف و معاند ایشان تبعهٔ باب و فرق فرنگی مآب است که میگویند ما مجلسی میخواهیم که مثل پارلمان المان بوده باشد و نظری بتقویت اسلام و حفظ دماء مسلمین و امر بمعروف و نهی از منکر و سایر اوصاف و ملاحظاتی که در این تلگراف مأخوذ است نداشته باشد

پس تمام مردم ایران اگرچه هنوز از آراء یکدیگر اطلاع کامل حاصل نکرده‌ایم ولی در نفس الامر سوای آن دو فرقه تماما متحد هستیم فقط رای گرگان و سگان از ما جدا است





عجب عالمی دارد این دایره که راحت دنیا و آخرت در آنست خوبست در فرق مختلفه مردم سیر کنم مخالفین را بشناسم!



سلام علیکم آقا امروز رئیس ملت هستید در باب مجلس چه میفرمائید؟
مسلم است مجلس اسباب اجرای احکام قرآن است ترویج حکم خدا باعث احترام علما است



آقای منتخب الملک دام اقباله بمن بگوئید مشروطه برای شما چطور است؟ خیلی خوب است
پولها را بیرون آورده بکار میزنیم ولی اگر تیول مرا بگیرند والا اسباب چینی خواهم کرد. ایران برود جهنم تیول من نرود اگر ایران هم برود



آقای فلان التجار سلام. علیک السلام. شما مشروطه میخواهید
چرا نخواهیم اگر قانون مشروطه جاری شد فلان کاسب که مال مرا خریده حساب ایم فراهم نیاورد هر سال ورشکست نمیشوم



مؤمن و داداش مشهدی شما کاسبها مجلس را میخواهید
بر پدر مشروطه لعنت که نخواهیم اگر بدانیم که حساب بازار را خراب [illegible]
بادنجان یکی سه عباسی نخریم که سرمایه مان تباه شود



سرکار یوزباشی. خان نایب شنیده ام شما هم مجلس نمیخواهید!
البته چطور بخواهم اولا اینکه [illegible]



جناب آقا شیخ شما در باب مشروطه چه میفرمائید؟ بنی نوع من
در این ایام زحمت میکشند و با جان خود مجلس را برپا میدارند
ولی اگر بنده را [illegible]



آقازادگان، فرزندگان وطن، شاگردان مدارس شما چه میفرمائید
خیلی عجیب است که از ما هم میپرسی در تمام عالم اول شخص [illegible] ما بوده ایم
اینها [illegible] معلوم است [illegible]



عمو اوغلی [illegible] سرباز [illegible] مشروطه [illegible]
مشروطه که [illegible]
[illegible] معلوم [illegible]



آقایان قزاق اگرچه خیالات [illegible] ولی [illegible]
[illegible]
[illegible]

(۱) (۲) (۳) (۴) (۵) (۶) (۷) (۸)

(۸) یعنی چه! سر ما هم که بی کلاه ماند مال مرا هم دست غیبی برد

(۵) ز کلش دست من و تو ماند دست سایرین خواهد ماند

(۱) وکیل باشی تو که کلاه مرا برمیداری تو تو می‌ماند دست بمیرزا

آقای سرتیپ شما درباب مشروطه چه میفرمائید؟ اگر مجلس جلوگیری از ظلم در خوردن ... بکند خیلی خوب است میخواهیم والا باید استعفا کرد کنیم. افسوس که این دولت ... باد دستش میبرد

حضرت اجل حکمران ... شما در باب مجلس چه رائی دارید برای ... دارد؟ البته دارد مسلم است از جنس اهمی که میبرسی کرد ... میخواهم فلان آدم را بگیرم ... دو هزار تومان بگیرم ... دیگری ... سلطنت کنم حکم شاه را ... جلو را ... برم ... آزادی ... است اگر حیوانات ... شرط ...

رعیت‌های فکر ده شما با مجلس چطورید؟ قربانت برویم چرا مجلس! نخواهیم گوارا ... بیرون ... دارد ... مسجد ... خوردن ... بخوریم ... شما ... دندان ... بخوریم معلوم است مجلس میخواهیم ...

سعد ... کشان چه میفرمائید درباب مجلس مسلم است که اگر کار با شد هر کوا ... مقصرات انشاء الله ... را ادعای ... در این باب خواهیم کرد

عجب سیری کردم
سبحان الله همه کس که میخواهد. انها که صحیح و سالم ... ندارند ... انها که ظالم و مغرض میباشند اگر ... داشته شود همه کس مشروطه را میخواهد

...کامل
جنیلی

(سیاسی)

علماء طریق نفاق و مخالفت و دانایان راه تزویر و لعنت و پیشوایان سبیل حیله و شیطنت رای میدهند که برای پیشرفت و مخالفت با مجلس شورای ملی و ترقی مملکت نفاق و ازدیاد انواع مخالفین و بدست آوردن استبداد چند راه را باید پیش نهاد سازند ....

اول القای شبهه بعوام الناس که مجلس مجری قانون فرنگ خواهد بود و در ایران قانون جاری خواهد شد دوم هر اغتشاشی که در شهر واقع میشود از بی نظمی و شرارت دست بازار و آدم کشتن و کمی نان و گرانی گوشت و بیرون آمدن زنهای فاحشه و بروز امراض جسمانی و روحانی از قبیل تب و نوبه و زکام و عطسه و درد سر از تاسیس مجلس شورای ملی است ولی برگشتن پول و ترک تغییر جنس و تشکیل بانک ملی و تعدیل مالیات و ترتیب و تنظیم وزارت خانها که از اقدامات مجلس مقدس شورای ملی است باید از حسن نیت صاحبان پول که خودشان واگذار نموده و یمن اتفاقات و تدابیر مستبدین قلمداد کرد سوم باید جماعتی از زنهای سلیطه را محرک شد که بدکان خبازی رفته و فریاد کنند و نفرین با قاپایان و بی احترامی بمجلس مقدس نمایند که اینها باعث کمی نان شده اند چهارم بهر نحو که پیشرفت داشته باشد بین وکلای مجلس شکراب نموده که کم کم باعث رنجش شده بمخاصمه پردازند تا از کارهای ملتی و اصلاح امور باز مانند پنجم بهر قسم که ممکن هست خاطر مقدس پادشاه را بوسائل الحیل از رعیت آزرده و بسوی خود معطوف دارند ششم هرگاه تبدیل وزارتی شد و آن تازه وزیر از مجلس همراهی نماید بهر ترتیبی رای او را برگردانیده و با خود همدست نمود که مبادا مانع از خیال مستبدین باشد هفتم اگر ممکن باشد بایستی حجج اسلام را جلائی انداخت که بخود مشغول شوند تا مجال اینکه نظارت باعمال منافقین نمایند نداشته باشند هشتم همه روزه از گوشه و کنار اسباب فتنه و فساد و قتل و غارت و هرج و مرج را فراهم آورده و همه را مستند بمجلس نمود نهم اگر از تمام این ترتیبات کاری ساخته نشد باید خود را هواخواه مجلس قلمداد و گفت ما مجلس میخواهیم ولی نه این مجلسی که دارای اشخاص فاسد العقیده میباشد دهم اگر از این هم کاری ساخته نشد و ممکن نبود که چشم مردم را بست یکبار باید از شهر خارج شد و در کنجی نشسته و آیه انا لله و انا الیه راجعون را خواند و دست و پا را دراز کرد

(منصب)

جناب فلان ... که سالهاست در میان مردم بریاکاری خود را مشهور نموده چون برای مخالفت با مجلس شورا حیله ها بکار برده و تمام هم خود را صرف آن نیت محزونه نموده از طرف ملت بمنصب منافق الدوله منصوب شده و تمام اقوام و اقارب او باین مفاخرت سر گریبان فخر در برده و روی نگاه کردن بسوی کردار اهالی ایران را ندارند

(بدنامی و نیکنامی)

اسم بیست و نه کرور و چهار صد و نود و نه هزار نفر اهالی ایران بواسطه خواستن قانون عدالت و اجرای احکام محمدی و ترویج مذهب جعفری و تاسیس مجلس شورای ملی و تشکیل بانک ملی و ازدیاد ثروت مملکت و قوت و شوکت دولت اسلام و رفع آه و ناله ضعفا از شخص پادشاه در کتب تواریخ به نیکوئی و سرفرازی ذکر خواهد شد ولی ... هزار نفر مستبد مخالف و منافق که برهم زننده اساس مشروطیت و عدالت و مروج نفاق و شیطنت هستند در عالم نمک نشناسی و [illegible] و ناخوشنامی باقی خواهد ماند

(اخبار خارجه)

از مجلس دومای روس بمجلس مقدس شورای ایران با تلگراف خیال چنین مخابره مینماید که همانطور که پادشاه جوانبخت ایران در صدد اجرای قوانین مشروطیت است و مخالفین نمیگذارند ما هم بهمان قسم بدرد شما گرفتاریم خداوند دل این دو پادشاه را از حقیقت کار آگاه فرماید

(اتفاقات)

یکی از مشروطه طلبان در خیابان خیال آباد بیکی از مخالفین رسیده گفت شنیده ام که شما ضد مجلس هستید جواب داد من خود هواخواه مجلس میباشم ولی میگویم این مجلس نیست !!! باید وکلای آن از بهشت و یا از آسمان باشند

(نوع پرستی)

شاطر نانوای ... از خدمت گذاری نسبت بهمجنس های خود کار را بجائی رسانیده که نان هفت شاهی را سابقاً شش سیری بخت حال در دکان خبازی صنفی بدوازده سیر رسانیده تا صاحب دکان ورشکست شده و دیگر روی دست نانواهای قدیم نزود (ملک المورخین)

در دار الطباعه آقا سید مرتضی ... باهتمام آقا میرزا حسن و آقا میرزا ... طبع رسید

بسمه تبارک و تعالی

سواد تلگراف حضرت مستطاب حجة الاسلام والمسلمین آیة الله فی العالمین آقای آقا سید محمد کاظم طباطبائی دامت برکاته العالیه که بجناب مستطاب ثقة الاسلام والمسلمین کهف العلماء والمجتهدین آقای آخوند آملی دام ظله العالی مخابره فرموده اند

از نجف اشرف نمرهٔ (۶۲۶)

جناب ثقة الاسلام آملی دامت برکاته از تجری مستبدعین و اشاعهٔ کفریات ملحدین که نتیجهٔ حریت موهومهست قرار مسطور تلگراف مزید تشویش بعون الله متمنیات ایشان شدنی نیست البته دفع کفریات و حفظ عقیده و اجرای قوانین محکمهٔ قرآنیه و شریعت ابدیهٔ محمدیه اهم فرائض ربانیین علماء با ملاحظهٔ جهات موجبات صلاح و صیانت دین و دماء مسلمین منظور اطلاع داده بذل مجهود شود

محمد کاظم طباطبائی بیست و سیم جمادی الاولی

برادران دینی ما در این تلگرافهای نجف اشرف که پی در پی بطبع رسانیده و منتشر ساخته ایم تأمل و تفکر بکنند و در سخنان این بزرگان اسلام که محل تقلید کافهٔ انام هستند دقت و تعمق نمایند تا دو مطلب مهم بر همه معلوم و مکشوف بشود

یکی آنکه از سلسلهٔ جلیلهٔ رؤسای ملت احمدی منکر مجلس شورای ملی اسلامی نیست و دیگر آنکه تمام اهتمام حجج اسلام در جلوگیری مرتدین و دشمنان دین است چه پیروان میرزا علیمحمد شیرازی معروف بباب چه جماعت هوا پرست طبیعی مذهب فرنگی مآب چرا که بالحس والعیان می بینیم و می بینید که در طرف

این

کربر کردند از کارهای بد که باغواء شیطان
و تسویلات نفس انها را بجا میاوردند ...
ربنا ظلمنا انفسنا و ان لم تغفر لنا و ترحمنا لنکونن
من الخاسرین

فهرست امور و گناهانیکه در امت پیغمبر آخر الزمان نزدیک بظهور قائم شیوع و رواج پیدا میکند و منع از انها بصد و چهل و چهار عنوان

(۱) مضمحل شدن حق و رفتن اهل حق از دنیا ..
(۲) فرا گرفتن جور و ستم بلاد و شهرها را ...
(۳) عمل نکردن باحکام قران ....
(۴) توجیه و تاویل نمودن قران را بهوای نفس خود
(۵) منقلب گردید دین حق ......
(۶) بلندی و غلبه نمودن اهل باطل بر اهل حق
(۷) آشکار شدن شر ....
(۸) ظاهر شدن فسق ....
(۹) اکتفا کردن مردان بمردان و زنان بزنان
در دفع شهوت ....
(۱۰) سکوت کردن مومن از بیان اوامر و نواهی
الهی بواسطه قبول نکردن قولش ....
(۱۱) دروغ گفتن اهل فسق ....
(۱۲) حقیر شمردن کوچک بزرگ را ....
(۱۳) قطع شدن ارحام ....
(۱۴) فخر کردن فاسق و فاجر بر مدح نمودن
مردم انها را بفسق و فجور ....
(۱۵) لواط دادن پسران و امردان ......
(۱۶) جفت شدن زنان با یکدیگر از برای مساحقه
(۱۷) بسیار شدن مدح و ثنا در بین خلق
(۱۸) صرف کردن اموال در غیر طاعت الهی
(۱۹) تعجب کردن مردم از کارهای خیر و سعی کسیکه
در راه خدا از مومن بظهور میرسد ......
(۲۰) اذیت کردن همسایه بهمسایه ......
(۲۱) شاد و خندان شدن کفار از مشاهده
فساد در روی زمین ....
(۲۲) خوردن شراب و سایر مسکرات را علانیه
و آشکار ....
(۲۳) ذلیل شدن امر کننده بمعروف ....
(۲۴) با قوت و پسندیده شدن فساق در میان
مردم در انچه از انچیزهائیکه خدا انها را دوست ندارد
(۲۵) حقیر کردن ائمه اثنی عشر علیهم السلام
و حقیر کردن دوستان انها ......
(۲۶) منقطع شدن راه خیر و باز شدن راه شر
(۲۷) نرفتن اهل استطاعت بحج بیت الله بسبب
امر دیگران انها را بترک زیارت ......
(۲۸) عمل نکردن مردم بانچه خود بدیگران میگویند
از نصایح و از بجا اوردن اعمال خیر و ترک نکردن
کارهای بد ....
(۲۹) غذای فربه کننده خوردن از برای عمل لواط
(۳۰) غذاها و دواها خوردن و استعمال نمودن
زنان بجهت فربه شدن از برای مساحقه کردن با یکدیگر
(۳۱) گذران کردن پیرزنها امر معاش از دادن لواط
(۳۲) گذران نمودن زنها در امر معاش از دادن زنا
(۳۳) مجلس فراهم کردن زنها از برای امثال
خود از زنها مانند مردان ....
(۳۴) مایل شدن جماعتی کور از بعضی طوایف
بدادن لواط بواسطه داشتن ناخوشی ابنه
(۳۵) زلف گذاردن مردان و بحنا خضاب کردن
انها و شانه زدن بزلف مانند زنان شوهردار
(۳۶) مال دادن بعضی از طوایف بعضی از مردم
بواسطه داشتن ناخوشی ابنه تا ایشان با انها
لواط نمایند ....
(۳۷) شیوع بهمرسانیدن لواط با پسران و
حسد بردن زنان بر انها در ترک نمودن
با ایشان ....
(۳۸) عزیزتر شدن صاحب مال از صاحب ایمان
نزد مردم ....
(۳۹) آشکار شدن خوردن ربا ......
(۴۰) فخر کردن زنان از اینکه بداد تن بزنا ..
(۴۱) رشوه دادن زنان بشوهران از برای اذن دادن
با ایشان در خصوص عمل مساحقه و در خصوص
زنا دادن بمردان ....
(۴۲) اعانت و کمک کردن خانوادهای بزرگ
زنان را بر فسق و عمل زنا ....
(۴۳) محزون و حقیر و ذلیل شدن مومن
(۴۴) ظاهر شدن بدعتها و عمل فساد در میان
(۴۵) اعتماد نمودن مردم بشهادت شاهد دروغ
(۴۶) حلال دانستن چیزهای حرام ....
(۴۷) حرام دانستن چیزهای حلال ....
(۴۸) استنباط کردن احکام دین برای و خواهش نفس
(۴۹) تعطیل نمودن قران و احکامش
(۵۰) انتظار نکشیدن اهل فسق آمدن شب را از
برای اتیان باعمال قبیح و بجا آوردن انها
در روز روشن پیش از آمدن شب ....
(۵۱) قدرت نداشتن مومن بر انکار کردن
اعمال بد مردم مگر در دل خود ......
(۵۲) انفاق کردن مال بسیار در معصیت خدا
(۵۳) مقرب کردن حکام اهل کفر را در نزد خود
و دور نمودن از خود اهل خیر را
(۵۴) رشوه گرفتن حکام در حکم کردن و حکم

علائم ظهور قائم آل محمد علیهم السلام

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام علی سیدنا ونبینا ابی القاسم محمد وآله الطیبین الطاهرین ولعنة الله علی اعدائهم ومخالفیهم ومعاندیهم من الآن الی یوم الدین ......

وبعد چنین گوید این حقیر فانی سبط المرحوم الحاج میرزا مسیح علی بن محمد جعفر الطهرانی که حدیثی شریف مرویست از امام ششم صادق آل محمد علیهم السلام در خصوص علائم ظهور قائم آل محمد عجل الله تعالی فرجه از شیوع پیدا کردن بدعتها و فسادها در آخر الزمان لازم دانستم که امور منکره مندرجه در آن حدیث را که در این اوقات که هرج و مرج شده در تمام بلاد و آبادیهای ایران بهم رسیده بطور اختصار در این ورقه مرقوم دارم از برای آنکه اهل ایران و شیعیان بلکه بلکه آنها را بدانند و در صدد رفع و دفع آنها برآیند و آن حدیث مذکور است در باب سی ام از سی و شش باب جلد سیزدهم از بیست و پنج جلد کتاب بحار الانوار مجلسی علیه الرحمه در صفحه ۱۰۸ و صفحه ۱۰۹ از نسخه که در سنه ۱۳۰۵ بطبع رسیده و مشتمل میباشد آن حدیث بر (۱۴۳) فقره از بدع و فتن و معاصی و همچنانکه منحصر است بعدد شش شصت بر المناسبه که منزلتی داشته باشد باصطلاح شش شصت بر اهل همچنین منحصر است بخواست خداوند منان و ظهور امام زمان علیه السلام رفع و دفع این بدع و نفس باینکه عمل ننمایند اهالی مملکت ایران باینجمله

در این چند کتاب مرقوم شده اول کتاب اکسیر آل محمد علیهم السلام دوم کتاب هدی و تقوای آل محمد علیهم السلام سوم کتاب طاعت آل محمد علیهم السلام کتاب اول و کتاب دوم منضم بیکدیگر بطبع رسیده و بالفعل در حجره جناب فخامت نصاب آقا ملا حاجی محمد تاجر کتابفروش واقع در کربلا تیمچه کتابفروشان از سرای حاجب الدوله متصل ببازار سی دوزها موجود است هر نسخه با جلد بقیمت پنجهزار و دو شاهی بفروش میرسد خوبست هر مسلمانی دارای یک نسخه از آن دو کتاب بوده باشد مشتمل است بر بیست و هفت جزو و عدد صفحات آن (۴۳۰) صفحه است امور منکره مندرجه در آن دو کتاب از فهرستی که در اول و آخر کتاب قرار داده شده بدست میاید بسیار نافع و خوب میباشد این دو کتاب از برای جماعت شیعه لکن در دست منظور کره شاید عمر باید از چاپ بیرون نیامده انشاء الله اگر عموم مردم طالب و خواهان آن شدند کمال اهتمام بعد از این خواهد شد در حسن خط و نیکوئی کاغذ و پاکیزگی طبع کتاب اکسیر آل محمد علیهم السلام دارای امور دست کر راجع است بتمام افراد جماعت شیعه کائنا من کان و کتاب هدی و تقوای آل محمد علیهم السلام مشتمل بوده بر امور دیگر راجع است بتمام افراد شیعه بر سبیل عموم و بر تکالیف سلطان اسلام کائنا من کان فی کل عصر و اوان و بر تکالیف محصلین و علماء و مجتهدین و بر امور راجعه بتربیت اطفال و لکن تکالیف سلطان و جماعه از تکالیف محصلین و علماء و مجتهدین و امور راجعه بتربیت اطفال بملاحظه اختصار از آن کتاب القاء شده انشاء الله در نسخه که بعد از این بطبع میرسد آنها را ضم مینمائیم ....

و کتاب طاعت آل محمد علیهم السلام مختصر است و مشتمل میباشد بر هفت جزو و نیم و عدد صفحات آن (۱۱۸) صفحه است و بخط خوش نوشته شده و مجلدهای نیکو مرتب گردیده و لکن هنوز بطبع نرسیده انشاء الله بعد از این بطبع رسیده منتشر خواهد شد **والله العلی الغالب** بر همه

ابتلاآت اهالی مملکت ایران از هر باب چه از باب امر معاش و چه از باب غیر امر معاش و چه از باب ضعف ملت و چه از باب ضعف دولت و چه از باب سوء اخلاقها که از برای مجموع من اتفاق افتاده همه از جهت شیوع این فواحش و منکرات است در بین اینها علاوه بر عقوبات بعد اینها اخروی و دنیوی بعد آخرت باید البته بر عکس ما سبق تمام این امور ترک شوند بواسطه دارا شدن ایمان درست صحیح و اقدام نمودن بطاعات و قربات و در خصوص ابتلاآت اهالی مملکت ایران از هر باب پیش خود این سخن نمیگوئیم بلکه از کرده کار سخن میکنیم فنقول قال الله تبارک و تعالی فی الآیة الاربعین من سورة الروم ظهر الفساد فی البر والبحر بما کسبت ایدی الناس لیذیقهم بعض الذی عملوا لعلهم یرجعون

(ترجمه)

فساد و خرابی در تمام اطراف ایران از هر باب ظهور پیدا کرده بواسطه فواحش و منکرات و کارهای بدیکه شب و روز اهالی مملکت ایران اتیان بآنها کرده و میکنند و این فساد و خرابی بسبب آنست که بچشاند خداوند قهار باهالی مملکت ایران جزای بعض اعمال بد ایشان را تا آنکه ایشان

از جشن موعود که آن بزرگوار فرموده بود غفلةً بر خاک ایران تاخته هفتهزار کس از هموطنان ما را طعمهٔ آتش ساخته است

بی ادب تنها نه خود را داشت بد — بلکه آتش بر همه آفاق زد

باری برادران دینی ما در این تلگراف تأمل و تفکر بکنند و ببینند که حضرات حجج اسلام مجاورین نجف اشرف مجلسی را که خواسته اند بچه صفت و کدام قید و شرط است حضرات حجج اسلام مهاجرین زاویهٔ مقدسه هم همان مجلس را میخواهند و مخالف چنان مجلس را مخالف شرع و مجادل با صاحب شریعت میدانند و البته تمام اهل اسلام هم مجلسی میخواهند که بهمین اوصاف و قیود و شرایط آراسته بوده باشد پس صاحبان این تلگراف شریف و مهاجرین زاویهٔ مقدسه و مسلمانهای ممالک محروسه تماماً بر یک قول و یک عقیده و یک رأی هستند و مخالف و معاند ایشان تبعهٔ باب و فرق فرنگی مآب است که میگویند ما مجلسی میخواهیم که مثل پارلمان المان بوده باشد و نظری بتقویت اسلام و حفظ دماء مسلمین و امر بمعروف و نهی از منکر و سایر اوصاف و ملاحظاتی که در این تلگراف مأخوذ است نداشته باشد

پس تمام مردم ایران اگرچه هنوز از آراء یکدیگر اطلاع کامل حاصل نکرده ایم ولی در نفس الامر سوای آن دو فرقه تماماً متحد هستیم فقط رای گرگان و سگان از ما جداست



و اتفاق را برهم زدند و سنگ تفرقه انداخته عادت دیرینهٔ چندین ساله را بایران عودت دادند قسمتی از علما را
در شهر بانواع چاپلوسیها و خوش آمدگوئیها و تملقات دیگر مسخر کرده در مزاجهای مبارکشان بهر نحوکه میخواهند
تصرف میکنند کتصرف الملاک فی املاکهم و ذوی الحقوق فی حقوقهم و اگر احیاناً در موضوعی احساس نامساعدی بکنند
فی الفور فقرهٔ ریختن مجمعهٔ محترمه تجدید میشود و از خبرداری کلمهٔ سیاسی سخن میرود و ترجمهٔ یک ژورنال شهادت میکند
و قسمت دیگر از علما را در زاویهٔ مقدسهٔ حضرت عبد العظیم علیه السلام هدف تیر تهمت و طعن روزنامجاتی مکشوف الحال
که از غایت فقر و ناکی و تهی دستی بکالای هتاکی و تجاری معاش میگذرانند قرار داده لایزال بر شقِ عصا
و تفریق کلمه می افزایند و خود در سایهٔ این رقابت با فراغت خاطر نشسته نقشه ها میکشند و نقشها میزنند روزی نیست که
گربه برقصانند و معرکهٔ مارگیری نگیرند و بساط حقه بازی نچینند از اینجاست که مجلس با مسلمانها را خاصهٔ خود
میخوانند و میدانند بلی ای مجلس ملی ما براین وضع حالیه که کارخانهٔ خیالبافی با بیت شده (گر
بمانی سال دیگر قطب دین حیدر شوی)

و از شرایط و اوصاف مجلس که در تلگراف مسطور منظور فرموده اند آن است که مجلس باید مجلس امر بمعروف و
نهی از منکر بوده باشد علماء مهاجرین زاویهٔ مقدسه هم همینطور مجلس میخواهند نه آنکه هیچ مجلس نمیخواهند لعنت خدا بر کسانی
باد که این نسبت را بایشان میدهند و بر مردم مقصد مهاجرین را مشتبه میکنند اینک از کسانی که حقیقةً بوجود صانع
قائل و بکتاب مجید معتقد و بدین حنیف مقید هستند سؤال میکنیم و میگوئیم این مجلسی که می بینید که در تحت استیلا
و استبداد لامذهبان و آزادی طلبان واقع شده است و مجاری احوال و اوضاع آن را مستقیماً بر سیاق پارلمنتهای
اروپا اداره میکنند آیا مجلس امر بمعروف و نهی از منکر است یا مجلس نهی از معروف و امر بمنکر است آیا بواسطهٔ نشر
دادن مزدکیان عصر کلمهٔ آزادی را در این مملکت تجریات و تهتکات مردم تا چه اندازه افزوده است و فنون فحشا
و فسوق و فجور تا کجا شایع شده آیا زنها لباس مردانه نمیپوشند و بکوچه و بازارها نمی رفتند آیا در خرابات
شب جشن چه قدر از این بی ناموسی نوظهور مشاهده شد و شرب الیهود فاش فاحش بنظرها رسید آیا فرق فاسدهٔ هفتاد

بر لفظ



(بقیهٔ شرح متعلق بتلگراف نجف اشرف)

و از اوصاف و شرایطِ مجلسی که حجج الاسلام والمسلمین آقایان نجف اشرف در این تلگراف تعیین فرموده اند آن است که باید رفع ظلم و اغاثهٔ مظلوم و اعانت ملهوف کند آقایان عظامِ مهاجرین زاویهٔ مقدسه هم فرمایشی که دارند همین است بدون هیچ اختلاف در هیچیک از این شرایط و اوصاف ولی میفرمایند یا اهل الاسلام یا اهل سورة البقرة یا اصحاب بیعة الشجرة ببینید در این مملکت در ظرفِ این یکسال بالخصوص کارِ ظلم از کجا بکجا کشیده است چه قدر خونها بناحق ریخته شده و مالهای مردم بتاراج رفته و رعیت و کاسب و تاجر از کار افتاده و فقراء و ضعفاء و مساکین تلف شده اطفال یتیم و زنها بی شوهر و خانوادها بی سرپرست مانده است روزی نیست که بتوسطِ تلگراف یا ادارهٔ پست یک بغل پاکتهای تظلمات از اطراف و اکناف نرسد همه محرق القلوب همه مثیر الاحزان همه طوفان البکاء در هر شهر و هر روستا جماعتی باسمِ انجمن محلی همدست و همداستان شده در غایتِ قساوت و استبداد مشغولِ خودکامی و بیداد هستند همان رفتاری را که سابقاً حکام و ظلام با رعایای سوختهٔ فرسودهٔ ولایات میکردند الحال آحادِ این انجمنها و بستگان و پیوستگان آنها میکنند فی الحقیقه یک استبداد را صدهزار استبداد ساخته اند و با صدهزار حاکم ظالم بر این مملکت و رعیتِ چو کارِ جورکش آن تاخته اند گرفتاری آن طبقات از رعایا که همیشه زیر پا میرفتند و اسیر دستِ غارتگران و چپاولچیان بودند بالاضعاف افزوده است آی وای که به نشد بتر شد

بارخدایا این چه سالِ پرملال بود که بر مسلمانهای ایران گذشت و صفحاتِ تاریخ این مملکت را خون آلود ساخت و سینه های اهالی را پر از شعله و دود کرد و ظلمهای عهد ضحاک و کشتارهای چنگیز سفاک را بیاد آورد ای مجلسِ مقدس که بچندین آرزو و هوس تو را آقایانِ ما و پیشوایانِ ما تأسیس فرمودند و بموجب حسنِ ظنی که باین صنعِ شریفِ خود داشتند بما پیروانِ مذهبِ جعفری چه نویدهای بزرگ و امیدوارهای کلان دادند ولی لاابالیهای روزگار چندان امان ندادند که مؤسسین عظام شب را سحر کنند با وسایل مادی و معنوی ریختند

کر بر کردند از کارهای بدیکر باغواء شیطان و تسویلات نفس انها را بجا میاوردند... رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا وَإِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الخَاسِرِينَ

فهرست امور و گناهانیکه از علامت ظهور آخر الزمان نزدیك بظهور قائم شیوع و رواج پیدا میکنند و منع از انها بصد و چهل و چهار عنوان

(۱) مضمحل شدن حق و رفتن اهل حق از دنیا..

(۲) فرا گرفتن جور و ستم بلاد و شهرها را....

(۳) عمل نکردن باحکام قران.........

(۴) توجیه و تاویل نمودن قران را بهوای نفس خود

(۵) منقلب گردید دین حق......

(۶) بلندی و غلبه نمودن اهل باطل بر اهل حق

(۷) آشکار شدن شر.........

(۸) ظاهر شدن فسق........

(۹) اکتفا کردن مردان بمردان و زنان بزنان در دفع شهوت..........

(۱۰) سکوت کردن مؤمن از بیان امر و نواهی الهی بواسطه قبول نکردن قولش........

(۱۱) دروغ گفتن اهل فسق........

(۱۲) حقیر شمردن کوچك بزرگ را.......

(۱۳) قطع شدن ارحام........

(۱۴) فخر کردن فاسق و فاجر بر مدح نمودن مردم انها را بفسق و فجور.

(۱۵) لواط دادن پسران و امردان....

(۱۶) جفت شدن زنان با یکدیگر از برای مساحقه

(۱۷) بسیار شدن مدح و ثنا در بین خلق

(۱۸) صرف کردن اموال در غیر طاعت الهی

(۱۹) تعجب کردن مردم از کارهای خیر و سعی که در راه خدا از مؤمن بظهور میرسد.......

(۲۰) اذیت کردن همسایه بهمسایه......

(۲۱) شاد و خندان شدن بکفار از مشاهده فساد در روی زمین..........

(۲۲) خوردن شراب و سایر مسکرات علانیه و آشکار..........

(۲۳) ذلیل شدن امر کننده بمعروف.....

(۲۴) باقوت و پسندیده شدن فساق میان مردم در انچه از بانچه خدا انها را دوست ندارد

(۲۵) حقیر کردن ائمه اثنی عشر علیهم السلام و حقیر کردن دوستان انها........

(۲۶) منقطع شدن راه خیر و باز شدن راه شر

(۲۷) نرفتن اهل استطاعت بحج بیت الله بسبب امر دیگران انها را بترك زیارت.....

(۲۸) عمل نکردن مردم بانچه خود بدیگران میگویند از نصایح و از بجا آوردن اعمال خیر و ازنکردن کارهای بد..........

(۲۹) غذای فربه کننده خوردن از برای عمل لواط

(۳۰) غذاها و دواها خوردن و استعمال نمودن زنان بجهت فربه شدن از برای مساحقه کردن با یکدیگر

(۳۱) گذران کردن پسران در امر معاش از دادن لواط

(۳۲) گذران نمودن زنان در امر معاش از دادن زنا

(۳۳) مجلس فراهم کردن زنان از برای امثال خود از زنان مانند مردان.......

(۳۴) مایل شدن جماعتی کور از بعضی طوایف بدادن لواط بواسطه داشتن ناخوشی ابنه

(۳۵) زلف گذاردن مردان و حنا خضاب کردن

(۳۶) انرا عشاق نزدیکی بر انها مانند زنان بشوهر دادن

(۳۶) مال دادن بعضی از طوائف بعضی دیگر بواسطه داشتن ناخوشی ابنه تا ایشان با انها لواط نمایند..........

(۳۷) شیوع بهمرسانیدن لواط با پسران و حسد بردن زنان بر انها در ترك نمودن زنان با ایشان..........

(۳۸) عزیز تر شدن صاحب مال از صاحب ایمان نزد مردم..........

(۳۹) آشکار شدن خوردن ربا.....

(۴۰) فخر کردن زنان از اینکه بدادن زنا

(۴۱) رشوه دادن زنان بشوهرانشان از برای اذن دادن با ایشان در خصوص عمل مساحقه و در خصوص زنا دادن بمردان.......

(۴۲) اعانت و کمك کردن خانوادهای بزرگ زنان را بر فسق و عمل زنا........

(۴۳) محزون و حقیر و ذلیل شدن مؤمن

(۴۴) ظاهر شدن بدعتها و عمل فساد در میان

(۴۵) اعتنا نمودن مردم بشهادت شاهد دروغ

(۴۶) حلال دانستن چیزهای حرام.....

(۴۷) حرام دانستن چیزهای حلال.....

(۴۸) استنباط کردن احکام دین برای و خواهش نفس

(۴۹) تعطیل نمودن قران و احکامش

(۵۰) انتظار نکشیدن اهل فسق آمدن شب را برای اتیان باعمال قبیحه و بجا آوردن انها در روز روشن پیش از آمدن شب...

(۵۱) قدرت نداشتن مؤمن بر انکار کردن اعمال مردم مگر در دل خود.......

(۵۲) انفاق کردن مال بسیار در معصیت خدا

(۵۳) مقرب کردن حکام اهل کفر را در نزد خود و دور نمودن از خود اهل خیر را

(۵۴) رشوه گرفتن حکام در حکم کردن و حکم

(۵۵) دادن مال بسیار از برای گرفتن حکومت
(۵۶) اکتفا کردن مردها با مردها و زنها با زنها
(۵۷) کشته شدن بعض اشخاص بواسطه بهتان و تهمت زدن بانها ......
(۵۸) حسد بردن بر دیگری که دنیا باو اقبال نموده و مال و جان خود را بذل کردن در سر آن ...
(۵۹) سرزنش نمودن مرد را بر جماع با زن و گفتن باو که چرا بعمل لواط نمی‌پردازی ......
(۶۰) گذران کردن مرد را از اجرت زنا دادن زنش بدیگران ......
(۶۱) مقهور کردن زنها شوهرهای خود را بکارهائیکه شوهران بانها راضی نیستند
(۶۲) نفقه دادن زنها بشوهران مانند نفقه دادن شوهران بزنان ......
(۶۳) اجیر دادن زن و کنیز خود را از برای گذران امر معاش و تحصیل خوردنی و آشامیدنی بواسطه دنائت همت و رذالت نفس ...
(۶۴) بسیار شدن قسم بخدا از راه دروغ
(۶۵) آشکار شدن قمار بازی ......
(۶۶) فروختن شراب و سایر مسکرات را علانیه و آشکارا
(۶۷) دادن زنان زانیه خود را باهل کفر ...
(۶۸) آشکار شدن لهو و لعب ......
(۶۹) ذلیل کردن اهل تسلط مردمان شریف و محترم را
(۷۰) کمال تقرب بهم رسانیدن نزد حکام کسیکه بسب نمودن و دشنام دادن باهل بیت پیغمبر صلی الله علیه و آله فخر میکند ......
(۷۱) قبول نشدن نزد اهل الشرع شهادت محب خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام ......
(۷۲) رغبت داشتن مردم بسخن بی‌فروغ و دروغ
(۷۳) گران شدن شنیدن صوت قرآن برخلایق و سهل کردن شنیدن سخنان لغو و باطل بر ایشان
(۷۴) اکرام کردن همسایه همسایه اش بجهت ترس از زبان او ......
(۷۵) تعطیل کردن حدود و دیر و زود کار و عمل نمودن در آنها بخواهشهای نفس ......
(۷۶) نقش کردن مسجدها را بطلا و غیر طلا
(۷۷) بودن راستگوترین مردم نزد ایشان شخص دروغ گو و افترا زننده ......
(۷۸) آشکار شدن شر و سخن چینی ......
(۷۹) آشکار شدن ظلم و ستم ......
(۸۰) ملیح شمردن غیبت و بدگوئی از مردم و مژده دادن بعضی از مردم بعضی را بان ......
(۸۱) حج کردن و بجنگ رفتن از برای غیر خدا
(۸۲) ذلیل نمودن اهل تسلط کافر و مؤمن هر دو را بدون فرق ......
(۸۳) غالب شدن املاک خراب بر املاک آباد
(۸۴) بودن گذران امر معاش از کم دادن پیمانه و ترازو
(۸۵) سهل و آسان دانستن خونریزی و قتل ناحق
(۸۶) طلبیدن ریاست از برای غرض دنیوی و شهرت
(۸۷) مشهور کردن شخص خود را بزبان آوری و از برای ترسیدن مردم از او و سپردن کارها باو و از برای اعتماد نهادن کارهای خود باو ......
(۸۸) حقیر و خفیف دانستن امر نماز ......
(۸۹) زکوة ندادن اغنیاء از آنوقتیکه مالک اموال زکوی شده اند ......
(۹۰) نبش کردن قبور مسلمانان از برای ساختن ابنیه
(۹۱) بسیار شدن هرج و مرج در بین مردم ......
(۹۲) عشق بازی نمودن مردم با امردان و عشق با زنان در شبها و مشغول بودن همان اشخاص در صبحها و اعتنا نکردن آنها بکارهای خلق
(۹۳) جماع کردن با بهائم و حیوانات ......
(۹۴) دریدن حیوانات بعضی بعض دیگر را
(۹۵) گذاردن نماز زنها را با لباس نجس و غصبی ......
(۹۶) قساوت بهم رسیدن در قلوب و گریه نکردن از خوف خدا ......
(۹۷) سخت شدن خواندن قرآن بر مردمان
(۹۸) رغبت بهم رسانیدن بخوردن گوشت حیوان غیر مذکی یعنی ذبیحه کفار ......
(۹۹) نماز بجا آوردن نه از برای خدا بلکه از جهت ریاء و دیدن مردم ......
(۱۰۰) یاد گرفتن اهل علم احکام شریعت را نه برای دین بلکه برای طلب دنیا و جاه ......
(۱۰۱) اجتماع نمودن مردم بدور کسیکه دنیا باو اقبال کرده و بر دیگران غالب گردیده ......
(۱۰۲) مذمت و سرزنش نمودن طالب حلال و مدح و تعظیم کردن طالب حرام ......
(۱۰۳) اتیان کردن بامور غیر مشروع و غیر معتاد و معاصی در شهر مکه و مدینه ......
(۱۰۴) آشکار شدن آلات لهو و لعب در شهر مکه و مدینه ......
(۱۰۵) سرزنش کردن بامر کننده بمعروف و نهی کننده از منکر
(۱۰۶) متابعت نمودن مردم از اهل شر ......
(۱۰۷) خالی شدن راه حج از سالک و راه رونده
(۱۰۸) استهزاء نمودن باموات و بعد از زهاق روح آنها بر آنها گریه نکردن ......
(۱۰۹) بیشتر بودن در هر سالی بدعت و شر از سال پیش
(۱۱۰) متابعت نکردن مردم مگر اغنیا را ......
(۱۱۱) چیز دادن و رحم کردن بر فقراء نه برای خدا بلکه برای خندیدن بانها ......

این یکسال که اهالی ایران حق تشکیل مجلس شوری از دربار دولت تحصیل کرده اند. این مردم لامذهب چه
شوق وشعفی دارند وچه شور وشغبی می اندازند . بلطایف الحیل که تشریح وتفضیح نمیکنیم خود را در متن و
حاشیهٔ مجلس ورود داده باهزار امیدواری بمساعدت مجلس باخیالات خبیثهٔ خودشان مشغول کارند
ومیگویند مجلس را ما برپا کردیم وشب وروز بتفتین در مابین رؤسا رشت وشق عصای امت میگذرانند
وبهر طرف که فریب آنها را خورده خود را می بندند ونسبت بطرف دیگر جسارت وجرأت بهم رسانیده
هر زنگی را که حربهٔ واحدهٔ اینهاست استعمال میکنند مثل ذوات الرایات که بفحاشی وشطاحی رواج
متاع خود میدهند   الحمد لله که لامذهبهای روزگار بمن دشنام میدهند وبابیهای معلوم الحال
با من دشمنی میکنند پناه میبرم بخدای تعالی از اینکه این سنخ مردم مرید من باشند واز حزب ومحارم من
محسوب بشوند وبزبان وقلم اینها اکمل ادیان را تنقیص بکنم و در اتم شرایع طعن وطنز بزنم
باری این فرق فاسدهٔ مفسده همه بدانند که هیچ حیله وهیچ مکر برای آنها سود نخواهد بخشید وهیچکس
بساط شریعت مقدسهٔ محمدیه را نمیتواند برچید ای بسا آرزو که خاک شده
مجلس دار الشورای کبرای اسلامی است وبمساعی مشکورهٔ حجج اسلام ونواب عامهٔ امام ع قائم شده وبرای
خدمت ومعاونت بدربار دولت شیعهٔ اثنی عشری وحفظ حقوق پیروان مذهب جعفری تأسیس گردیده است
ممکن نیست که آثار پارلمنت پاریس وانگلیس بر آن مترتب گردد وقانون آزادی عقاید واقلام وتغییر شرایع واحکام
از آن گرفت وبر افتتاح خمارخانها واشاعهٔ فواحش وکشف مخدرات واباحهٔ منکرات نایل گردید
هیهات تضرب بالحدید البارد (در زاویهٔ مقدسهٔ حضرت عبد العظیم ع بطبع رسید) [illegible]